

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۱۴

قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

رمضان شعبانی سارویی^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، تهران، ایران.

چکیده

اگر چه در خصوص منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پژوهش‌های درخور توجهی انجام شده، اما بحث فرهنگ همچنان - به دلیل اهمیت راهبردی که دارد - حائز توجه دو چندان است. دلیل این امر به بنیاد و هویت فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران باز می‌گردد که منجر شده فرهنگ به مثابه منبع بی‌بدیل قدرت نرم تبدیل شود. از این منظور نگارنده از جایگاه «هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران در معادلات قدرت نرم» سؤال نموده و به منظور ارایه پاسخی مناسب برای این پرسش، عناصر نظریه قدرت نرم در ایران را مورد تحلیل قرار داده است. محقق با استفاده از روش تحلیلی نشان داده که قدرت نرم، در سه سطح با هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ارتباط دارد؛ سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی. این تحلیل به دلیل جامعیت، از توان تفسیری و تجویدی بیشتری برای صیانت و ارتقاء قدرت نرم در ایران برخوردار است.

کلید واژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، اسلام، قدرت نرم، فرهنگ، هویت فرهنگی.

یکی از تحولات نظام جهانی، ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت و ارتقاء تأثیرگذاری قدرت نرم بر قدرت سخت بوده است. کشورهایی که به شکلی ماهرانه از ابزارهای فرهنگ، تمدن، تاریخ و جغرافیای خویش برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران استفاده کرده‌اند، در صحنه سیاست ملی و جهانی اقتداری به مراتب ماندگارتر و مؤثرتر یافته‌اند. کشور ایران، از هزاران سال پیش تاکنون، چه به عنوان کشور و تمدنی بسیار پیچیده و شگفت‌انگیز در چهارراه تمدن‌های بزرگ بشری؛ و چه در عصر کنونی به مثابه کشوری با کوله‌باری از تاریخ، فرهنگ و تمدن در قلب بحران‌های منطقه‌ای، و از سوی دیگر موقعیت ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه و وارث نخستین انقلاب مذهبی در دنیای جدید؛ بعنوان کانون تولید کننده قدرت نرم مطرح بوده است. در حقیقت «قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت و کسب اعتبار نزد افکار عمومی جهان است که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، پیشینه درخشان، آرمان یا ارزش‌های انسانی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین، قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است که به نسبت سایر ابزارهای سیاست خارجی، بیش‌ترین تأثیرپذیری را از مؤلفه‌های هویت ملی دارد» (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). عوامل متعددی در ایجاد قدرت نرم کشور مؤثر است که هر کدام در صورت مدیریت صحیح می‌توانند ضمن ایجاد انسجام داخلی، موجبات ارتقای حیثیت و جایگاه کشور در عرصه سیاست بین‌المللی و نظام جهانی را فراهم کنند. فرهنگ با ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فرد از یک سو به عنوان منبع تهدید کننده و از دیگر سو تقویت‌کننده نظام اجتماعی در کنار اقتصاد و سیاست به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم منابع قدرت نرم معرفی می‌شود. در جنگ نرم نیز توجه عمده دشمن به بخش‌های بنیادی و هویت ساز فرهنگی است و تلاش کارگزاران تهدید نرم بر آن است که عصاره فرهنگی (باورها، ارزش‌ها) ملت را هدف گیری و آن را از بین ببرند، تا جامعه دچار بی‌هویتی فرهنگی شده و بنیان‌های اصیل معنوی و فرهنگی در معرض فروپاشی و استحاله قرار گیرد. از سوی دیگر انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. نظام جمهوری اسلامی به عنوان مهمترین محصول آن، از یک منظر سرچشمه عمده قدرت نرم بوده و از دیگر سو منبع عمده قدرت نرم در آن بیشتر ناظر بر ابعاد فرهنگی و روانی است که امروزه کارآمدترین و کم هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و

پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه آن از سوی قدرت‌های غربی در بعد تهدید نرم جاری است؛ با این توصیف، تبیین دو متغیر قدرت نرم و هویت فرهنگی در مناسبات انقلاب اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی دو مفهوم قدرت نرم و هویت فرهنگی از سوی برخی از اندیشمندان در دستور کار قرار داشته اما سؤال اساسی دیگر این است که مناسبات این دو پدیده در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحقیق کافی در بررسی مناسبات این دو مفهوم انجام نشده است. آشنا و روحانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی» صرفاً به دو رویکرد هویتی توصیفی که ناظر به حال و گذشته است و رویکرد تجویزی که ناظر به سیاست‌های هویتی است اشاره دارند. شجاعی (۱۳۹۱) در اثرش تحت عنوان «هویت دینی و آموزه‌های چالش برانگیز معاصر» با طرح هویت دینی و آموزه‌های معاصر به عنوان چالش‌های مهم هویت دینی عمدتاً راهکارهای عملی، راهبردهای دینی و برنامه‌های گسترش و تعمیق هویت دینی را مورد توجه قرار داده است. حیدری، اکوانی و کشفی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «رسانه‌ها و هویت فرهنگی: مطالعه دانش آموزان متوسطه شهر یاسوج» در مورد پیامدهای هویتی رسانه‌ها بر اساس دیدگاه نقش فعال رسانه و مقاومت هویتی با روش پیمایشی، به این نتایج دست یافته‌اند که تلویزیون ملی و استانی در راس رسانه‌های مورد استفاده پاسخگویان و هویت‌های محلی، ملی و جهانی، به ترتیب، برجسته‌ترین هویت جمعی آنان بوده است. بررسی این پژوهش‌ها نشان دهنده آن است که مناسبات قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران نیازمند تعریف پژوهش‌های مستقلی است که در مقاله حاضر به آن پرداخته است.

با توجه به اینکه فرهنگ با ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فرد خود به عنوان یکی از مهمترین شاخصه منبع قدرت نرم معرفی می‌شود، پرسش اصلی مقاله را می‌توان این گونه طرح کرد: «نسبت بین قدرت نرم و هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چیست؟» روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. در فرایند تحقیق، پس از گردآوری داده‌ها و پردازش آن‌ها، چگونگی نسبت قدرت نرم و هویت فرهنگی در دوران پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. چارچوب مفهومی و نظری

۲-۱. تعاریف

الف. قدرت / قدرت ملی

قدرت را به توانایی اعمال اراده انسان بر ذهن ها و اعمال دیگران تعریف کرده اند (عالم، ۱۳۷۳: ۸۹). بر این اساس قدرت ملی را می توان امکان تحمیل اراده و خواست یک بازیگر به دیگر بازیگران تعریف کرد. زمانی که کشوری توانایی، اراده و ظرفیت لازم را در اختیار دارد و در پرتو آن می تواند، اهداف و ارزش های حیاتی خود را حفظ، توسعه و تعمیق بخشد، در واقع آن کشور از قدرت ملی لازم برخوردار است. قدرت ملی را می توان به قدرت نرم و قدرت سخت تقسیم نمود.

ب. قدرت نرم

قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به علایق دیگران و هدایت رفتار آنان بدون بهره گیری از زور (Nye: 2006) برخی نیز قدرت نرم را توانایی کسب چیزی از طریق جذب به جای اجبار مطرح می کنند (نایینی، ۱۳۹۱: ۷۱).

ج. فرهنگ

«فرهنگ» نظام واره ای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش ها، آداب و الگوهای رفتاری» ریشه دار و دیرپا و «نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می دهد و هویت آن را می سازد (مرکز مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۱: ۵).

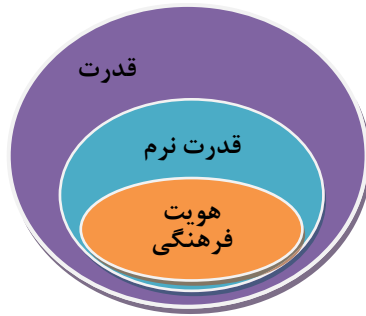
د. هویت فرهنگی

هویت حاصل دیالکتیک خود و دیگری بوده که در میان طیفی از شبکه معنایی ذهن و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در حرکتی رفت و برگشتی قرار می گیرد. پیوند میان فرهنگ و هویت نیز متأثر از همین رابطه دیالکتیکی است تا آنجا که اغلب صاحب نظران برای فرهنگ هویت را پدیده ای فرهنگی قلمداد می کنند (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۵۸). بدین ترتیب می توان گفت: هویت فرهنگی احساس هویت یک گروه، و یا فردی است که تحت نفوذ یک فرهنگ باشد و به آن تعلق پیدا کند.

۲-۲. نظریه قدرت نرم

قدرت در دو لایه سخت و نرم قابل طبقه بندی است که لایه نرم قدرت، مهمترین جزء آن است. در عصر حاضر در عناصر و مؤلفه های تشکیل دهنده قدرت نرم، فرهنگ و

هویت فرهنگی از مؤلفه‌های اساسی آن محسوب می‌گردد. به اعتبار اینکه هویت فرهنگی مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم محسوب می‌شود، سطوح و گستره تعامل این دو حوزه فراتر از بقیه حوزه‌هاست. مهم‌ترین عناصر قدرت نرم عبارتند از:



شکل شماره (۱): مناسبات قدرت نرم و هویت فرهنگی

الف. عناصر فرهنگی - اعتقادی: شامل مکتب و ایدئولوژی جذاب و قدرتمند؛ پیشینه تاریخی تمدنی، قدرت تعامل با دیگر فرهنگ‌ها، جاذبه‌های فرهنگی توریستی، توان ترویج ارزش‌ها و الگوهای رفتاری، سرانه بالای تولیدات هنری، توانمندی کمی و کیفی فرآورده‌های فرهنگی و امثال آن است.

ب. عناصر اجتماعی - انسانی: شامل میزان امنیت اجتماعی، موقعیت و رکوردهای ورزشی، میزان روحیه و دل‌بستگی ملی، میزان همگرایی و انسجام اجتماعی، خصایص منحصر به فرد ملی، سرمایه اجتماعی بالا و... می‌باشد.

ج. عناصر تبلیغی - رسانه‌ای: شامل توانمندی کمی و کیفی رسانه‌ای، توانایی اقناع سازی افکار عمومی، پیشدستی در عملیات روانی راهبردی و آستانه تحمل بالای مردم و امثال آن است.

د. عناصر اقتصادی: شامل برخورداری از رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی، تولید مدل و اندیشه الهام بخش اقتصادی، جذابیت کالا و فرآورده‌های اقتصادی و مانند آن است.

ه. عناصر سیاسی - دیپلماسی: شامل رهبری کاریزماتیک، مدل و شکل نظام سیاسی، کارآمدی دولت، دیپلماسی فعال، حمایت و اعتماد مردم، ثبات سیاسی و مشابه آن است.

و. عناصر علمی - فن آوری: شامل جایگاه و رتبه علمی، دانش و آگاهی ملی، توان و رتبه فن آوری، تعداد و رتبه مراکز آموزش عالی، تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی است (نک. باصری، ۱۳۹۱؛ افتخاری، ۱۳۸۵؛ باقری، ۱۳۸۸).

۳. قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

۳-۱. مبانی

در نظام بین الملل امروز، به کارگیری قدرت نرم از ابزارهای تعیین کننده تحقق اهداف ملی و تامین کننده امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود. شرایط و موقعیت جمهوری اسلامی ایران به گونه ای است که ضرورت‌های حیاتی، امنیتی و آینده‌نگری آن ایجاب می‌کند که به هر دو نوع قدرت سخت و نرم توجه کند. بدون تردید، اهداف انقلاب اسلامی و جهت گیری‌های نظام جمهوری اسلامی در پرتو جهان بینی توحیدی، ماهیتی فرهنگی، هویتی و عدالت خواهانه دارد. این طیف از اهداف با ایجاد ساختارهای نوین، آموزش مؤثر تعالیم دینی و گسترده تر کردن فرهنگ اسلامی مؤثر خواهد شد. شناخت مخاطبان چه در جهان اسلام و چه غیر آن در انتقال فرهنگ اسلامی تنها با قدرت نرم، آموزش، تعامل و اثرگذاری‌های پایدار میسر خواهد بود (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۶).

به اعتراف ناظران، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در سایر کشورها هم تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر «با توجه به آنکه انقلاب اسلامی ایران مولود قدرت نرم است در راستای سند چشم انداز ۲۰ ساله، جمهوری اسلامی ایران می‌باید در جهان اسلام الهام بخش، فعال و مؤثر باشد و با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، بر همگرایی اسلامی و منطقیه‌ای- بر اساس تعالیم و اندیشه‌های امام خمینی- تأثیر بگذارد به همین منظور، از آنجا که ایران با کشورهای خاورمیانه روابط فرهنگی-تاریخی، سیاسی و اقتصادی دیرینه دارد، می‌تواند با بهره‌گیری از قدرت نرم خود به خواسته‌های خود برسد و با ارتقای قدرت نرم خود و تقویت مؤلفه‌های آن به منافع ملی نیز دست یابد (بیکی، ۱۳۸۸: ۲۵؛ پوراحمدی ۱۳۸۹؛ حجازی ۱۳۹۱).

از سوی دیگر انقلاب اسلامی با ماهیت اسلامی، عامل بسیج کننده مردم متدین ایران و رهبری الهی بوده است. در این راستا، ایدئولوژی اسلامی عاملی جهت دهنده برای خدا، معنویت و ارزش‌های اسلامی بوده که خود عاملی الهام بخش برای رهایی دیگر ملل بوده است. بنابراین قدرت نرم انقلاب اسلامی نه تنها در سطح داخلی با رهبری جاذبه آفرین و فرهمند امام خمینی (ره)، مردم را به پذیرش انقلاب اسلامی ترغیب نمود، بلکه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، پیام جذاب اسلامی آن، عامل راه‌گشای رهایی ملل از زیر یوغ استبداد و استکبار جهانی می‌گردد. این امر منجر

به احیای هویت جهان اسلام، ارتقای بیداری اسلامی، و بازسازی تمدن نوین اسلامی با تکیه بر خودباوری فرهنگی به پرچمداری جمهوری اسلامی گردیده است (نک. رنجبران ۱۳۸۹؛ محمدی ۱۳۸۹)

۲-۳. سطوح

قدرت نرم جمهوری اسلامی را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد:

۱-۲-۳. سطح تحلیل ملی

مهمترین ابعاد سطح تحلیل ملی قدرت نرم را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد: رهبری فرهمند و مقتدر، وحدت و اعتماد ملی، مشروعیت سیاسی و اجتماعی، روح شهادت طلبی، توسعه دانایی محور، جنبش نرم‌افزاری، سیاست فرهنگی، نیروی انسانی کارآمد، کارآمدی دولت، رضایت عمومی، انسجام اجتماعی و همگرایی درونی، امنیت نرم، زیر ساخت‌های فکری فرهنگی، سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، تعمیق معرفت و بصیرت دینی آحاد جامعه، تقویت و تحکیم ارزش‌های اسلامی و اخلاقی، توسعه و تحکیم تفکر بسیجی، ارتقای نمادهای دینی و ملی، تقویت روحیه ملی، ارتقای رفاه عمومی، ارتقای مشروعیت نظام از طریق مشارکت حداکثری مردم و امثالهم (نک: موسوی ۱۳۹۰).

۲-۲-۳. سطح تحلیل منطقه‌ای

مهمترین ابعاد سطح تحلیل منطقه‌ای قدرت نرم را می‌توان در مواردی شامل: بازسازی تمدن اسلامی و احیای تاریخ تمدن و هویت فرهنگی، تاریخی و اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، مقبولیت و محبوبیت منطقه‌ای، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای، جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، ارتقای موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه، تحقیر رژیم صهیونیستی در منطقه، الگوی مقاومت بسیج، توسعه و تحکیم عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه، شکست طرح‌های استکباری در منطقه، تقویت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی در منطقه و... جستجو کرد.

۳-۲-۳. سطح تحلیل بین‌المللی

از مهمترین ابعاد سطح تحلیل منطقه‌ای قدرت نرم می‌توان به مواردی چون: به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب، گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌المللی بر اساس اصل نه شرقی نه غربی، پرچم‌داری انقلاب فرهنگی جهانی، شکل‌گیری فرهنگ مقاومت جهانی در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی، تقویت گفتمان نفی سلطه و عدالت خواهی، ارتقای

فرهنگ جهاد، شهادت و منجی طلبی، رشد گفتمان معنوی و دینی، ترویج روحیه استقلال طلبی در میان مستضعفان، برهم زدن معادلات قدرت‌های سیاسی امنیتی قدرت‌های بزرگ، تأثیر گذاری بر تحولات و معادلات بین‌المللی، ارتقای توانمندی رسانه‌ای و... اشاره کرد. در هر سه سطح نقش هویت فرهنگی در مؤلفه‌های قدرت نرم برجسته است.

۴. هویت فرهنگی به مثابه قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

بنیاد نظری پژوهش حاضر بر ماهیت فرهنگی قدرت نرم (یعنی هویت فرهنگی) گذارده شده است. بر اساس این نظریه اساس قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برآمده از مؤلفه‌های هویتی ایران است.

۴-۱. ماهیت فرهنگی قدرت نرم

نای و شوارتز تأکید می‌کنند که اصلی‌ترین عنصر قدرت نرم یک کشور در دنیای کنونی عنصر فرهنگی آن است. منظور از عنصر فرهنگی قدرت نرم، هم بعد کیفی و هم بعد کمی آن است. از نظر نویسندگانی همچون ساندرس و ژوزف نای منابع اصلی قدرت نرم را می‌توان در سه دسته تعیین کرد: اول فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی؛ دوم دیپلماسی عمومی؛ سوم سیاست‌های خارجی. از نظر نویسندگان یاد شده برخی فرهنگ‌ها بیش از فرهنگ‌های دیگر به منبعی برای قدرت نرم کشورها تبدیل می‌شوند. آنان برخی از ویژگی‌های قدرت نرم فرهنگ را چنین برشمرده‌اند: انعطاف پذیری، پویایی، برخورداری از ارزش‌های پایدار، اخلاق محوری، قدرت اشاعه، تولیدات فرهنگی، و برخورداری از ارزش‌های جهانی (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۵۲). اهمیت فرهنگی قدرت نرم از آن روست که موجب نوعی «هماند سازی» عمیق دیگران با ارزش‌ها و باورهای آن می‌شود.

۴-۲. مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

هویت فرهنگی در طول چند دهه‌ی گذشته، از موضوع‌های مورد بحث و جدل در بسیاری از کشورهای دنیا بوده است و دو عرصه سیاست و فرهنگ را با هم مرتبط و یا گاه درگیر ساخته است (Baldwin, 1999: 15). هویت فرهنگی مبتنی بر دو دسته عوامل عینی و ذهنی است. عوامل عینی مانند میراث تاریخی، چارچوب سیاسی، منشأ قومی، سنت‌ها، زبان و دین، سازنده‌های بسیار مهم هویت فرهنگی هستند. اما در عین حال این هویت بر پایه عوامل ذهنی نیز قرار دارد، عواملی که در هوشیاری اعضای یک جامعه ثبت می‌شوند (Ladmiral, 1989: 9-10). مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی در ایران در سه محور ذیل قابل دسته بندی است:

اول. اسلامیت: اسلام مجموعه‌ی معارف به هم پیوسته‌ای از باورها و اندیشه‌های برگرفته از وحی الهی در رابطه با جهان، انسان، جامعه و جهان پس از مرگ است که توسط آخرین پیامبر الهی حضرت محمد (ص) برای هدایت، اداره زندگی بشر و تأمین سعادت دنیا و آخرت به ارمغان آورده شده و توسط اهل‌بیت (ع) تعمیق یافته است. بنابراین اسلام، توجه به مذهب و شریعتی است که امروزه به عنوان راهنمای عمل اجتماعی است و به همه ابعاد و نیازهای انسان نظر دارد. آیین اسلام دو رکن اساسی دارد: الف) اعتقادات، ب) برنامه عملی و احکام و تکالیف، که شامل اخلاق و فقه می‌شود (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۶). در طول ۱۴ قرن گذشته تشیع به صورت نشان ملی و هویت فرهنگی ایرانیان درآمد و به خوبی با اندیشه‌های اصیل ایرانی و گاه با اسطوره‌های آن‌ها عجین شد و از حالت یک مذهب صرف فراتر رفت. تشیع به رفتار اجتماعی سیاسی ایرانیان نیز جهت داد و همه وجوه زندگی آن‌ها را پر کرد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷، ۳۱۳-۳۱۴). تشیع، تلفیق فرهنگ عالی ایرانی اسلامی، خدامحوری، شهادت، ظلم‌ستیزی و ایثار، در انتظار منجی، برخورداری از ارزش‌های جهانی، از دیگر شاخص‌های هویت فرهنگی اسلامی ایرانی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه عنصر تفکیک‌ناپذیر «نظام جمهوری اسلامی، یعنی نظریه مردم‌سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی دانست (هرسیج، ۱۳۹۰، ۱۵۸). رابطه مذهب و هویت فرهنگی در ایران از مباحث پیچیده و در عین حال متفاوت با سایر ملت‌های جهان است. ایرانی‌ها با استفاده از نیروی مذهب در پنج قرن گذشته حداقل سه انقلاب تمام عیار صفویان صوفی، انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی را سامان داده‌اند. در ایران، ملازمه بسیار نزدیکی بین جامعه و دین و ارکان آن از دوره یونان باستان به این سو برقرار، و همبستگی و استقلال هویت فرهنگی ایران اغلب در گرو وحدت مذهبی و اتحاد دین و دولت بوده است. اخلاق نیز در جامعه دینی ایران، به شکلی تقلیل یافته در دین، تصور می‌شود. بنابراین اخلاق و اعتقادات (دین) به عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های هویت فرهنگی ایران می‌تواند مطرح باشد (نظری، ۱۳۹۰، ۳۳).

دوم. ایرانیت: ایران سرزمینی است که در طول پنج هزار سال گذشته، اقوام گوناگونی را در خود جای داده است. مؤلفه‌های ایرانیت هویت فرهنگی ایرانیان، شامل «زبان (زبان نوشتاری و زبان گفتاری)، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه تاریخی (میراث مادی و میراث معنوی)، نظام اجتماعی (نظام آموزشی، نظام خانواده، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، نظام سیاسی و حقوقی)» (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹) است. زبان فارسی به

عنوان زبان ملی و نیز تاریخ و آداب و سنن ملی یکی از عوامل هویت بخش فرهنگی ایرانیان بوده است. در تاریخ افتخارآمیز ایران، همواره هویت فرهنگی مردم، از راه زبان و ادب فارسی حفظ شده است. در حقیقت زبان فارسی چون آسمانی پهناور، تمامی اقوام را در گستره نفوذ خود حفظ کرده است. بخش مهم، معتبر و مفصل شعر و ادبیات فارسی، سروده‌های عارفانه است که ذاتاً انفسی و غیر آفاقی‌اند و انسانی‌ترین ظرفیت هویت‌بخش فرهنگ ایران است و برجسته‌تر از همه می‌تواند در فرآیند جهانی شدن، موجب اشاعه و تقویت ظرفیت‌های فرهنگی هویت ایران شود (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۹). علاوه بر زبان و ادبیات فارسی و داستان‌های دلاوری، دیگر شاخص‌های هویت ساز فرهنگ ایرانی عبارتند از: اعیاد و جشن‌ها، آیین‌ها و سنن باستانی همانند عید نوروز، اسطوره‌ها؛ عناصر پایدار و خلیقات ملی همانند یکتاپرستی، میهن پرستی، تساهل و مدارا، عبادت و نماز خواندن؛ هنر ایرانی همچون معماری، کتیبه نویسی، نقاشی و خطاطی، مینیاتور، موسیقی، سفال سازی، و فرش بافی؛ همچنین علوم ایرانی اسلامی.

سوم. مدرنیته: شیوه زندگی جدید و امروزی است که با استفاده از تعریف پیتر برگر مدرنیته یا تجدد عبارتست از: «مجموعه اوصاف و خصایص تمدن جدیدی که در طی چند قرن اخیر در اروپا و آمریکای شمالی سر بر آورده است». بر این اساس، مدرنیزاسیون یا متجددسازی، فعالیت و سیاستی است آگاهانه، برای نزدیک‌سازی جوامعی که دارای اوصاف و عناصر مدرنیته نیستند به وضع جوامع مدرن (بیات، ۱۳۸۱، ۵۰۷).

در تبیین شاخص‌های کیفی مربوط به قدرت ملی می‌توان از منش ملی، روحیه ملی، کیفیت حکومت، جایگاه و نقش جامعه مدنی و کیفیت دیپلماسی نام برد. امروزه ساختار جامعه به گونه‌ای است که ایران هم‌اکنون دارای دو جامعه سنتی و مدرن است. جامعه سنتی دارای قدرت تاریخی بوده و مؤسسات خیریه نماد این جامعه هستند؛ و جامعه مدنی مدرن که مقوله جدیدی است و سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های تجاری، احزاب و غیره نمادهای این جامعه هستند (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۲۲). انقلاب ارتباطات و تحولات پس از آن و پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی مانند ماهواره، عامل انتقال فرهنگ و سبک زندگی غربی به دیگر جوامع شده است. جامعه ایرانی با حفظ فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی در این سده گذشته، دست به گزینش تجارب و یافته‌های مدرن زده است، بنابراین بهره‌گیری از تجارب بشری یکی دیگر از منابع هویتی فرهنگ ایرانی است. مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانی در شکل زیر ترسیم شده است:

شکل شماره (۲): هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران و مؤلفه‌های آن

در این مقاله هویت فرهنگی با مؤلفه‌های اسلامیت، ایرانیت و مدرنیته تعیین گردیدند. در حقیقت هویت فرهنگی ایرانی متنوع، اما دین محور است. «در این رویکرد هویت اسلامی یعنی مرکزیت نظری و عملی نظام و بینش معرفتی اسلام در هویت فرهنگی ایرانیان که بر پایه تحلیلی تاریخی با هسته سخت آن که هویت شیعی است، گره می‌خورد، لذا هویت اسلامی و شیعی در هویت فرهنگی ایرانیان دو روی یک سکه قلمداد می‌شوند.» (نجفی، ۱۳۸۵: ۳۷). از سوی دیگر هویت فرهنگی معاصر ایرانیان با در نظر گرفتن رویکردی هارمونیک و بر مبنای توزیع قدرت در منابع هویت ایرانی، اسلامی و عربی باید مورد توجه قرار گیرد؛ لذا در منابع سه گانه فوق گرچه ایرانیت طول تاریخی گسترده‌تری را به خود اختصاص داده، اما این اسلامیت به‌ویژه تشیع است که در حافظه تاریخی ایرانیان جزء رسوبات فعال شده و عملاً به هسته سخت هویت تبدیل شده است؛ چه اینکه اسلام و به‌ویژه قرائت شیعی آن، جامعه را تا پیش از ورود به دنیای مدرن اداره کرده و نظام و ساختار اجتماعی و فرهنگی را مدیریت کرده است؛ از سوی دیگر معاصر بودن متأثر از موج منبع غربی هویت فرهنگی، جزء لایه سطحی هویت بوده و به حافظه تاریخی و رسوبات سخت فرهنگی ایرانیان نپیوسته است؛ بنابراین باید گفت هویت فرهنگی متأثر از اسلام و تشیع در میان منابع هویتی دیگر جایگاه ممتازی داشته و باید در حوزه‌های مؤلفه‌های توصیفی و تجویزی هویت فرهنگی مورد تأکید و توجه قرار گیرد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

۵. نسبت سنجی هویت فرهنگی و قدرت نرم در جمهوری اسلامی

امروزه قدرت نرم که با مفاهیمی مترادف نفوذ، اقتدار، و حتی مشروعیت ابنتا دارد؛ به قدرت هدایت کردن، جذب کردن و سرمشق تعبیر می‌گردد. نظر به اهمیت ارتباط تنگاتنگ قدرت نرم با قدرت بی‌شکلی نظیر فرهنگ، به نقش آفرینی و تأثیر هویت فرهنگی به عنوان مهم‌ترین منبع قدرت نرم پی برده و به اثرگذاری این شکل از قدرت در جهت پایداری یک سیستم سیاسی فرهنگی رهنمون می‌شویم. هویت فرهنگی مثبت یا منفی تأثیر مستقیمی بر افزایش یا کاهش قدرت نرم دارد که از این طریق ضریب امنیت ملی نیز دچار تحول می‌گردد. هویت فرهنگی به‌واقع یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم محسوب شده و هر قدر ارزش‌های هویت فرهنگی در سطوح مختلف جامعه تجلی بیشتری یابد، می‌تواند به عنوان منبعی مطمئن برای تقویت و تولید باشد و در نتیجه امنیت یک جامعه به‌واسطه افزایش قدرت نرم وضعیت مطلوب‌تری پیدا کند. از طرف دیگر نفوذ و توسعه هویت فرهنگی منفی در جامعه می‌تواند ضمن تضعیف قدرت نرم، منبعی برای تولید تهدیدات نرم محسوب شود که به تبع آن امنیت و ابعاد آن نیز به مخاطره خواهد افتاد. به این ترتیب میان هویت فرهنگی و امنیت، رابطه‌ای ارگانیک از طریق رفتار اعضای جامعه و نوسانات قدرت نرم وجود دارد. همچنین رفتار افراد متأثر از هویت فرهنگی - مثبت یا منفی - را می‌توان در تقویت قدرت نرم یا تضعیف آن - آسیب یا تهدید نرم - ملاحظه کرد. نکته قابل تأمل آن است که به‌دلیل رابطه‌ای که بین قدرت نرم با تهدید نرم وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که اگر عناصر قدرت نرم در بین افراد یک کشور تقویت گردد، به معنای آن است که قدرت نرم از همان ناحیه ظهور پیدا خواهد کرد. همچنین تقویت قدرت نرم ناشی از ارتقای هویت فرهنگی جامعه، ضریب امنیت ملی در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر تضعیف قدرت نرم ناشی از هویت فرهنگی جامعه، امنیت ملی را در ابعاد موصوف کاهش خواهد داد. بنابراین با توجه به شناسایی سه مؤلفه برای هویت فرهنگی و سه سطح برای قدرت نرم، در نسبت سنجی هویت فرهنگی و قدرت نرم در جمهوری اسلامی، سه ساختار زیر سازماندهی و عرضه می‌گردد؛

۵-۱. اسلامیت و قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران:

اسلام اهلبیت (ع)؛ انتظار منجی، برخورداری از ارزش‌های جهانی، مردم سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، استقلال و آزادی از منابع هویت فرهنگ اسلامی ایرانی است

۲-۵. ایرانیت و قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

زبان، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه تاریخی، نظام اجتماعی و... از مؤلفه‌های ایرانیت هویت فرهنگی ایرانی است.

۳-۵. مدرنیته و قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

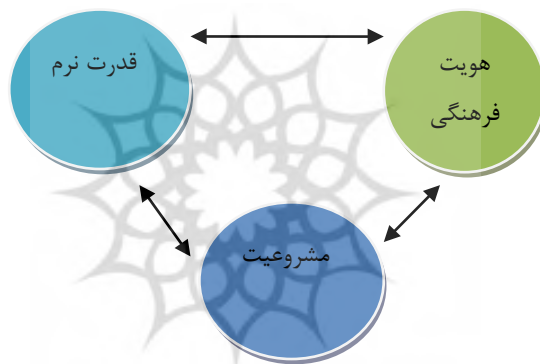
جامعه ایرانی با حفظ فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی، در این سده گذشته دست به گزینش تجارب و یافته‌های مدرن زده است، بنابراین بهره‌گیری از تجارب بشری، یکی دیگر از منابع هویتی فرهنگ ایرانی است. (نگاه کنید به جدول شماره ۱).



بین المللی	منطقه ای	ملی	سطوح قدرت نرم
			مؤلفه های هویت فرهنگی
<p>به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب، گشایش جبهه ثالث در نظام بین المللی بر اساس اصل نه شرقی نه غربی، پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی، شکل گیری فرهنگ مقاومت جهانی در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی، تقویت گفتمان نفی سلطه و عدالت خواهی، ارتقای فرهنگ جهاد، شهادت و منجی طلبی، رشد گفتمان معنوی و دینی در جهان</p>	<p>بازسازی تمدن اسلامی و احیای تاریخ تمدن و هویت فرهنگی، تاریخی و اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، مقبولیت و محبوبیت منطقه ای، احیای هویت جهان اسلام، جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، ارتقای موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه، تلفیق فرهنگ عالی ایرانی اسلامی</p>	<p>رهبری فرهنگد و مقتدر، روح شهادت طلبی، زیر ساخت های فکری فرهنگی، تعمیق معرفت و بصیرت دینی آحاد جامعه، تقویت و تحکیم ارزش های اسلامی و اخلاقی، توسعه و تحکیم تفکر بسیجی، ارتقای نمادهای دینی، مشروعیت سیاسی اجتماعی، نظام مردم سالاری دینی، تشیع و عشق به اهلیت (ع)؛ انتظار منجی و مهدویت گرایی</p>	اسلامیت
<p>پیشینه تاریخی تمدنی، ترویج روحیه استقلال طلبی در میان مستضعفان، برخورداری از فرهنگ و ارزش های جهانی، استقلال طلبی، آزادی خواهی، ظلم ستیزی، نیروی انسانی کارآمد، زبان و ادب فارسی، علوم ایرانی، هنر ایرانی، جاذبه های فرهنگی توریستی</p>	<p>محوریت ثبات منطقه ای، تحقیر رژیم صهیونیستی در منطقه، الگوی مقاومت بسیج، توسعه و تحکیم عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه، شکست طرح های استکباری در منطقه، تقویت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی،</p>	<p>وحدت و اعتماد ملی، سیاست فرهنگی، تقویت روحیه ملی، ارتقای مشروعیت مردمی نظام، ثبات سیاسی، آستانه تحمل بالای مردم، ارتقای نمادهای ملی، انسجام اجتماعی و همگرایی درونی، امنیت نرم، خط و زبان فارسی، آیین ها و سنن باستانی، اسطوره ها، دانش و آگاهی ملی</p>	ایرانیت
<p>ارتقای توانمندی رسانه ای نوین، برهم زدن معادلات قدرت های سیاسی امنیتی قدرت های بزرگ، تأثیرگذاری بر تحولات و معادلات بین المللی</p>	<p>قدرت برتر علمی و فناوری، توانمندی مؤثر فناوری های نوین ارتباطی و رسانه ای، تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی فرهنگی منطقه ای</p>	<p>ارتقای رفاه عمومی، رضایت عمومی، گزینش تجارب و یافته های مدرن، توسعه دانایی محور، کارآمدی نظام سیاسی، ارتقای علمی و فناوری، توسعه سازمان های غیردولتی، تعدد احزاب سیاسی</p>	مدرنیته

جدول شماره (۱): مناسبات هویت فرهنگی و قدرت نرم در جمهوری اسلامی

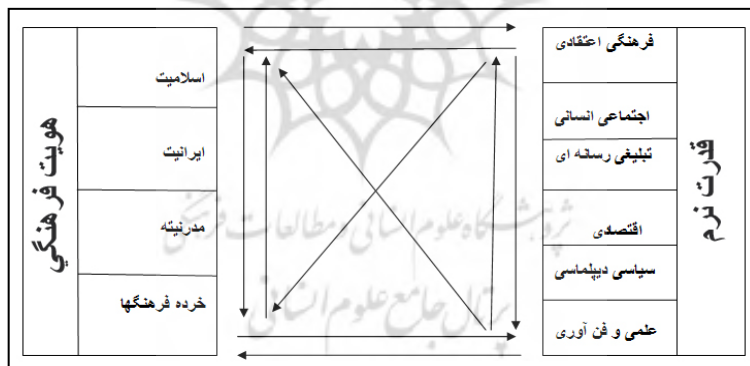
بر این اساس در مناسبات هویت فرهنگی و قدرت نرم در جمهوری اسلامی باید اذعان داشت فرهنگ به شکل عام و هویت فرهنگی به شکل خاص، با ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فرد از یک سو به عنوان منبع تهدید کننده و از دیگر سو تقویت کننده نظام اجتماعی در کنار اقتصاد و سیاست به عنوان یکی از سه شاخصه مهم منابع قدرت نرم مطرح است. بنابراین فرهنگ و هویت فرهنگی ایرانیان، می‌تواند برای دیگر کشورها منشأ جذابیت باشد. یعنی هویت فرهنگی مهم‌ترین عنصر قدرت نرم در جمهوری اسلامی است و قدرت نرم نیز بر افزایش یا کاهش هویت فرهنگی تأثیر می‌گذارد. همچنین کاهش یا افزایش قدرت نرم به افزایش یا کاهش مشروعیت سیاسی منجر می‌گردد؛ از سوی دیگر کاهش یا افزایش مشروعیت سیاسی به افزایش یا کاهش هویت فرهنگی می‌انجامد. این رابطه در شکل زیر ترسیم شده است:



شکل شماره (۳): الگوی تعاملی هویت فرهنگی، قدرت نرم و مشروعیت

بدین لحاظ تقویت عناصر مقتدر هویت فرهنگی در ایران می‌تواند با توجه به فرصت‌های ایجاد شده بر اثر جهانی شدن و فرهنگ جهانی شده، راهکار مناسبی برای ارتقای قدرت نرم ایران در صحنه‌های مختلف منطقه‌ای و جهانی باشد. بنابراین اگر جمهوری اسلامی بتواند از ظرفیت بسیار غنی دینی، فرهنگی، هنری و اجتماعی خود برای جلب توجه افکار عمومی جهان، به توانمندی ذاتی خود استفاده نماید، بهترین فرصت برای گسترش مؤلفه‌های قدرت نرم ایران فراهم خواهد شد. در این صورت فرصت‌سازی از مؤلفه‌های قدرت نرم می‌تواند به افزایش مشروعیت جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر گردد.

در حقیقت انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب فرهنگی در کنار هدف‌هایی همچون عدالت و آزادی، تلاش برای ارتقای اخلاق و معنویت، می‌تواند با مدیریت کارآمد خود، قوی‌ترین وجه قدرت نرم نظام محسوب گردد. توانایی ایران در تولید ادبیات فراگفتمانی در حوزه‌های ایرانی اسلامی با استفاده از هویت فرهنگی الهام بخش ایرانیان، عنصر تعیین کننده در تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی است که از ثمرات آن افزایش مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی است؛ و عنصر مشروعیت نیز منجر به ظرفیت‌سازی‌های نوین برای هویت فرهنگی کشور خواهد بود. بنابراین درخشش ایران اسلامی در حوزه‌های ملی، منطقه‌ای و تمدنی و الهام بخشی مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانی اسلامی از جمله منابع قدرت نرم است که دافع توطئه‌ها و تهدیدات جنگ نرم معاندان نظام خواهد بود. امروزه جمهوری اسلامی منبع عظیم و دست ناخورده‌ای از اقتدار نرم، برخاسته از هویت فرهنگی است که مدیریت هوشمندانه‌ی آن می‌تواند هم تحکیم بخش امنیت ملی و عمق بخشی داخلی انقلاب اسلامی و هم منبع پایان ناپذیر در عمق بخشی خارجی گفتمان انقلاب اسلامی باشد.



جدول شماره (۲): مدل نظری مناسبات قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

نتیجه گیری

الف. هویت پدیده‌ای چند وجهی است که بنیاد آن بر تمایز و تشخیص خودی در مقابل دیگری است، لذا امر ثابتی نیست بلکه دائماً در حال تغییر و تکوین است؛ بدین معنا هویت فرهنگی ایرانیان در نسبتی که میان خود و دیگری برقرار کرده، در میان سه ضلع منابع هویتی: «اسلامیت، ایرانیت و مدرنیته» شکل یافته است.

ب. قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی است. جمهوری اسلامی ایران به دلایل عدیده‌ای زمینه‌ها و شرایط لازم را برای کسب قدرت نرم و ارتقای حد نصاب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه فراهم ساخته است.

ج. در بررسی رابطه قدرت نرم با هویت فرهنگی به تأثیرگذاری متقابل آنان می‌توان پی برد. برخلاف قدرت سخت که سرمایه مادی بازیگر و مستقل از مؤلفه‌های محیطی است؛ قدرت نرم سرمایه اجتماعی بازیگر و از پدیده‌های اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است. از این رو رشد و گسترش قدرت نرم زمینه ساز توسعه هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی بوده، از سوی دیگر افزایش آسیب و تهدید قدرت نرم زمینه ساز گسترش آسیب و تهدید در جمهوری اسلامی است. همچنین کاهش یا افزایش قدرت نرم به افزایش یا کاهش مشروعیت سیاسی منجر می‌گردد؛ از سوی دیگر کاهش یا افزایش مشروعیت سیاسی به افزایش یا کاهش هویت فرهنگی می‌انجامد.

د. از رسالت‌های برجسته دانشگاهیان در این عرصه، تبیین مبانی نظری مناسبات قدرت نرم و هویت فرهنگی، آسیب شناسی مستمر قدرت نرم و هویت فرهنگی ایرانی، طراحی مدل مطلوب توسعه و تعمیق هویت فرهنگی در مراکز آموزشی و افکار عمومی و نیز پیش‌بینی ساز و کارهای حراست و پاسداری از هویت فرهنگی جامعه ایرانی است.

منابع

- آشنا، حسام الدین؛ روحانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. دوره سوم، شماره ۴، زمستان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، «گفتگو، قدرت نرم و انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات بسیج*. شماره ۳۲.
- باصری، احمد (۱۳۹۱)، *کارگاه جنگ نرم*. مشهد: سازمان بسیج اساتید.
- باقری، سیامک (۱۳۸۸)، «قدرت نرم بسیج»، *فصلنامه میثاق (بسیج متخصصین)*. شماره ۷: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱)، *فرهنگ واژه‌ها*. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۸)، *قدرت نرم جمهوری اسلامی (مطالعه موردی لبنان)*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- پور احمدی، حسین (۱۳۸۹)، *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. قم: بوستان کتاب.
- حجازی، سید حسین (۱۳۹۱)، «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا»، *فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری*. سال سوم، شماره اول، بهار.
- حیدری، اکوانی و کشفی (۱۳۹۲)، «رسانه‌ها و هویت فرهنگی مطالعه دانش آموزان متوسطه شهر یاسوج»، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- رنجبران، داود (۱۳۸۹)، *جنگ نرم*. تهران: ساحل اندیشه تهران (سات).
- ساندرس، فرانسیس استانر (۱۳۸۷)، *جنگ سرد فرهنگی، سیاه در عرصه فرهنگ و هنر*. ترجمه بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران: بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی.

- سبحانی نیا، محمد (۱۳۸۷)، *کارکرد دین در زندگی بشر*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- سعدی، (۱۳۹۲)، *ارتقای اخلاق در رفتار سیاسی نخبگان*. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شجاعی، سید مهدی (۱۳۹۱)، *هویت دینی و آموزه‌های چالش برانگیز معاصر*. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشرنی.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷)، *جمهوری اسلامی و قدرت نرم*. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- محمدی، محمد مهدی (۱۳۸۸)، «قدرت نرم و امنیت فرهنگی»، *فصلنامه سیاسی راهبردی*. سال دوم، شماره ۵ و ۶، زمستان.
- مرادی، حجت اله (۱۳۸۹)، *قدرت و جنگ نرم*. تهران: نشر ساقی.
- مرکز مهندسی فرهنگی (۱۳۹۱)، *نقشه مهندسی فرهنگی کشور*. ویرایش هفتم: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- موسوی، محمد و مونا کلانتری (۱۳۹۰)، «راهکارهای تقویت هویت اسلامی و ملی دانشجویان از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، *فصلنامه قدرت نرم*. سال دوم، شماره پنجم، بهار.
- نایینی، علی محمد (۱۳۹۱)، *اصول و مبانی جنگ نرم*. تهران: نشر ساقی.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری: تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- نجفی، م (۱۳۸۵)، *تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نظری، علی اشرف (۱۳۹۰)، *فرهنگ، هویت و تمدن از چشم انداز ایران فرهنگی*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- هرسیج، حسین (۱۳۹۰)، «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه قدرت نرم*. سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.
- هرسیج، حسین و توپسرکانی مجتبی (۱۳۸۹)، «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. دوره سوم، شماره ۹ فصل بهار.

- Nye. Joseph. s (2006), **Soft Power**. Columbia: University Press.
- Baldwin, Eset (1999), **Introducing Cultural Studies**. London, Prentice-Hall.
- Ladmiral and et.al (1989), **La Communication Interculturelle**. Paris: Armancolin.

